

گزارشی توصیفی از وضعیت کتاب‌های موسیقی کودک و نوجوان

○ نگار پدram

روح الله خالقی، در کتاب «سرگذشت موسیقی ایران»، می‌نویسد: «بعضی از سرودهای مدارس، آهنگ فرنگی داشتند که به فارسی ترجمه می‌شد و برخی از این آهنگ‌ها را نیز صاحب منصبان موزیک نظام ایران می‌ساختند. بعد از پایان هر سال تحصیلی نیز سرودی آماده می‌شد که بیشتر این سرودها را هم غلامرضاخان سالار معزز، رئیس مدرسهٔ موزیک می‌ساخته است.»^۱

خالقی درباره خواندن سرود در مدارس می‌نویسد: «من آن موقع منظور اولیای مدرسه را از این اجتماع و سرود خواندن و جشن‌ها در نمی‌یافتم. بعدها که به هدف‌های تعلیم و تربیت آشنا شدم. به خوبی درک کردم که همین کار کوچک، چقدر برای ایجاد حس همکاری و به نشاط آوردن روح جوانی، کمک بزرگی بوده است. چنان که در آن موقع، ما بعد از سرود خواندن، خوش و خندان به کلاس‌های درس می‌رفتیم. بدون این که توجه کرده باشیم که این آهنگ موسیقی و وزن‌های شادی بخش سروده‌است که ما را سرخوش و خرم کرده است.»^۲

در ایام عزاداری، به جای درس سرود، در بعضی از مدارس، املاهای فارسی گفته می‌شد و حتی شهرهایی که مقابر متبرکه قرار داشت، معلم سرود پیدا نمی‌شد.

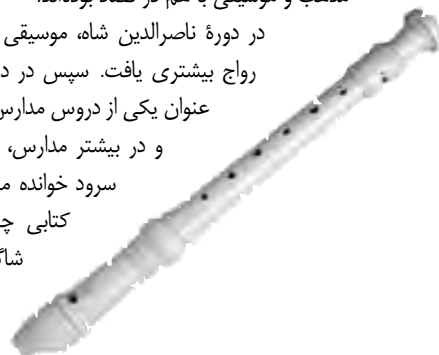
علینقی وزیری، شاید اولین کسی است که آهنگ‌های ساده و کودکانه تهیه کرد و موسیقی مخصوص کودکان را به وجود آورد. پیش از آن، بزرگ‌ترها برای آهنگ‌های رایج، اشعار کودکانه

حسین علیزاده، در مقدمهٔ کتاب «لطف تمبک» می‌نویسد: «آموزش موسیقی ایرانی در سنین کودکی و جوانی، مسئله‌ای است بسیار حساس که اگر درست و مناسب به کار گرفته نشود، نتیجه‌اش دوری یک نسل از یک حرکت فرهنگی است و متأسفانه، اغلب تلاش‌هایی که در زمینهٔ آموزش موسیقی به کودکان شده، تقلید و تلفیقی است از فرهنگ‌های گوناگون بوده است.»^۳

موسیقی یکی از هنرهای زیبا است که هر کس می‌تواند با آن به تعالی برسد، اما در کشور ما، موسیقی همیشه به نوعی با محدودیت و ممنوعیت رو به رو بوده است. این محدودیت‌ها تنها به بعد از انقلاب اسلامی مربوط نمی‌شود. اصولاً به موسیقی، چه پیش از انقلاب و چه بعد از آن، بی‌توجهی شده است. البته تا قرن نهم هجری، موسیقی در کشور ما جنبهٔ علمی داشت و فارابی، صفی‌الدین ارموی، ابن سینا، عبدالقادر مراغه‌ای و قطب‌الدین شیرازی، کتاب‌هایی در این زمینه نوشتند.

اما پس از مدتی و به ویژه بعد از دورهٔ صفوی، از اهمیت موسیقی کاسته شد تا آن جا که در دورهٔ ناصرالدین شاه، به نوازندگان «عملهٔ طرب» می‌گفتند.^۴ با وجود آن که در اروپا، موسیقی مذهبی اهمیت ویژه‌ای داشت و حتی موسیقی دانان بزرگی مثل باخ و هندل، از کلیسا شروع کردند، اما در ایران، مذهب و موسیقی با هم در تضاد بوده‌اند.

در دورهٔ ناصرالدین شاه، موسیقی مذهبی از نوع تعزیه، رواج بیشتری یافت. سپس در دوره‌های بعد، سرود به عنوان یکی از دروس مدارس ابتدایی کاربرد داشت و در بیشتر مدارس، قبل از شروع کلاس، سرود خوانده می‌شد. این سرودها در کتابی چاپ شده بود تا همهٔ شاگردان بتوانند از روی کتاب سرود بخوانند.



**در کتاب تاریخ هنر،
ویژه دانش آموزان
هنرستانی،
دربارهٔ موسیقی
مطلبی نوشته
نشده است.
ظاهراً از نظر
مسئولان،
موسیقی
هنر نیست و
در نتیجه،
تاریخ هم ندارد**

دانشگاه هم رشته‌ای به نام موسیقی کودک تاسیس شود تا از این راه، موسیقی علمی‌تر شود.»

سودابه سالم که کتاب «موسیقی در دبستان» را در انتشارات مدرسه زیر چاپ دارد، درباره کتاب‌های موسیقی می‌گوید: «کتاب‌های آموزشی موجود، برای همه گروه‌های سنی نوشته شده است و مخصوص کودکان نیست. به غیر از کتاب «سنتور نوازی» آقای پشنگ کامکار که برای بچه‌ها مناسب است، کتاب خوب دیگری نداریم و کتاب‌های موجود، عمق ندارند و به ویژگی‌های بچه توجه نمی‌کنند.»

این کارشناس موسیقی کودک، درباره کتاب «موسیقی در دبستان»، توضیح می‌دهد: «مخاطب این کتاب، بچه‌ها نیستند، بلکه درباره کاربرد موسیقی در دبستان است و مخاطب کتاب، معلمان هستند. مثلاً این کتاب می‌گوید که یک معلم انشا، چگونه می‌تواند از موسیقی استفاده کند.»

نازی امیری، یکی دیگر از مربیان موسیقی کودک است. وی معتقد است: «در کشور ما، برای موسیقی برنامه وجود ندارد و موسیقی کودک هم یک شاخه محدود و فرعی محسوب می‌شود. همان مشکلی که برای نشر کتاب و نوار موسیقی بزرگسالان وجود دارد، برای نشر کتاب‌های موسیقی کودک نیز هست. با این تفاوت که برای بزرگسالان، در خارج از ایران، کتاب موسیقی چاپ می‌شود و می‌توان آن‌ها را ترجمه کرد، اما در مورد موسیقی کودک، کسی نیست که به هر دو مقوله کودک و موسیقی اشراف داشته باشد. بنابراین، هیچ کس نیست که حداقل کتاب ترجمه کند.»

وی می‌افزاید: «اگر روزی اعلام کنند که موسیقی کودک هم لازم است، حتماً یک عده در اینترنت، دنبال کتاب‌های موسیقی می‌گردند و ترجمه می‌کنند و اگر از آن‌ها حمایت شود، تعداد کتاب‌ها نیز بیشتر خواهد شد. در غیر این صورت، نویسندگان و موسیقی‌دانان سرمایه ندارند که با آن کتاب چاپ کنند.»

مدیر آموزشگاه موسیقی نی‌لیک، معتقد است: «مشکل مالی، کم‌ترین مشکل موسیقی کودک است. مسئله اصلی این است که در دانشگاه‌ها، حتی در رشته موسیقی، واحد اجباری و اختیاری درباره آموزش موسیقی کودک وجود ندارد. در رشته روان‌شناسی کودک نیز درس آموزش موسیقی به کودک نداریم. با توجه به این شرایط، طبیعی است که به کتاب‌های موسیقی کودک بی‌توجهی شود.»

سمیرا خزایی، از مربیان موسیقی کودک مدرسه هنر و ادبیات صدا و سیماست. وی می‌گوید: «حتی اگر کتاب‌های مختلف چاپ شود، باز هم من ترجیح می‌دهم در هر جلسه، از مادرها بخواهم نت‌ها را از روی تخته یادداشت کنند؛ چون اگر خانواده در جریان درس بچه باشد، خیلی بهتر است. البته در حال حاضر، از روی کتاب‌های مختلف درس می‌دهیم؛ چون به طور مشخص، کتاب خوبی در این زمینه نداریم.»

از دیگر کتاب‌هایی که تاکنون درباره موسیقی کودکان منتشر شده است، کتاب‌های زیر را می‌توان نام برد:

«آموزش موسیقی به کودکان به روش کدای»، نوشته اُرِسْتِ شونی، ترجمه نصرالله مهرگان.

این کتاب، در سال ۱۳۷۳، در نشر مهرگان چاپ شده است.

انتخاب می‌کردند و در اختیار بچه‌ها می‌گذاشتند. اما وزیر، با ساختن آهنگ‌های کودکانه، همراه با اشعار حسین گل گلاب و اشعار کتاب‌های درسی، در زمینه موسیقی کودک گام برداشت.

از دیگر کتاب‌هایی که در سال‌های پیش از انقلاب، برای آموزش موسیقی به کودکان و یا درباره موسیقی آن‌ها نوشته شده است، کتاب‌های زیر را می‌توان نام برد:

«نغمه‌های کودکان» در دو جلد، نوشته حسین دهلوی ۵۱ و ۱۳۴۹ ناشر: اداره کل آموزش هنری وزارت فرهنگ و هنر.

«ترانه‌هایی از چهار گوشه جهان: با ضمیمه‌ای شامل قطعات پیانو برای همراهی حرکات موزون و سازهای ویژه کودکان»، تالیف دکتر سعید خدیری، اشعار از آذر آریان‌پور، تصاویر: محمد پولادی.

ناشر سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران سال ۱۳۵۲.

«کتابی درباره کارل ارف»، ترجمه عبدالرحمن مکری، انتشارات و بنیاد رودکی.

حسین دهلوی، درباره کتاب‌های موسیقی کودک، معتقد است: «متأسفانه، ما در مورد موسیقی، به ویژه موسیقی کودکان، کتاب و متد سازی کم داریم. علت آن هم این است که کشور ما موسیقی جایگاهی که باید داشته باشد، ندارد. من بعد از ۶۶ سال کار در زمینه موسیقی، کمبود کتاب آموزشی را احساس می‌کنم. حتی زمانی که مسئول

هنرستان موسیقی بودم، برای بعضی از سازها متد نوشتیم که خوشبختانه چاپ شد.»

دهلوی که کتاب «پیوند شعر در موسیقی» او، برنده جایزه کتاب سال ۱۳۸۱ شد، می‌افزاید: «در کتاب پیوند شعر و موسیقی، بخشی را به موسیقی کودک اختصاص دادم و بیشتر به شعر ترانه‌ها توجه کردم.

به عنوان مثال، با شعرهایی که در آن‌ها نفرین وجود دارد، نباید آهنگ ساخت؛ چون در بچه‌ها تاثیر خوبی

ندارد. بچه‌ها باید یاد بگیرند یک آواز زیبایی مهربانانه را با هم اجرا کنند.»

دهلوی در سال ۱۹۷۱ که از طرف یونسکو، سال کودک نامیده شد، ایرانی برای بچه‌های دنیا نوشته که قرار است به زودی در ایران و به زبان فارسی اجرا شود.

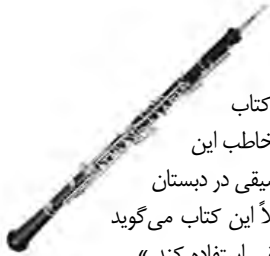
احمدرضا احمدی نیز برخی از شعرهایش در کتاب «دنیای بازی» چاپ شده که ترانه‌هایی برای کودکان است، می‌گوید: «ما در زمینه کتاب موسیقی، هم برای بزرگسالان و هم برای کودکان، فقیر هستیم.

من در یکی از داستان‌هایم، به هفت دستگاه موسیقی اشاره کرده‌ام، اما این کافی نیست و چنین کتابی به تنهایی نمی‌تواند به

موسیقی کودک کمک کند.»

وی می‌افزاید: «وقتی ما بچه بودیم، برای آهنگ‌های خوانندگان معروف، شعرهای بچگانه می‌گذاشتند که خیلی مضحک می‌شد. موسیقی کودک هم مثل شعر کودک مهجور بود. با این تفاوت که شعر راهش را پیدا کرد و به این جا رسید، اما موسیقی کودک، هنوز جایگاهش را به دست نیاورده است.»

احمدی پیشنهاد می‌دهد: «باید موسیقی را از هنرستان شروع کرد. در



«آموزش موسیقی و موسیقی درمانی کودکان استثنایی»، نوشته علی زاده محمدی، ویراستار نسیم وهاب، نت نویسی و تصحیح محمودرضا محقق. این کتاب در کارگاه نشر و در سال ۱۳۷۴ چاپ شده است. کتاب «دنیای شادی»، یکی از رایج ترین کتاب های موسیقی برای کودکان است که ناصر نظر، یکی از مربیان و کارشناسان موسیقی کودک، گردآوری کرده است. در این کتاب، اشعاری از چند شاعر کودکان، مانند احمدرضا احمدی، ناصر کشاورز، جمال الدین اکرمی، محمودکیانوش، ثمین باغچه بان و... وجود دارد. این کتاب، در سال ۷۹ و توسط نشر هوای تازه چاپ شده و تا سال ۸۰ به چاپ هشتم رسیده است.

«لطف تمبک» نیز جدیدترین کتابی است که برای کودکان نوشته شده است. در این کتاب، لایلا حکیم الهی که چند کتاب داستان هم برای کودکان نوشته، ریتم های موسیقی را آموزش می دهد. لطف تمبک، در سال ۸۱، توسط نشر ماهور منتشر شده است.

در کتاب های درسی نیز گاه به موسیقی اشاره شده است. رضا مهدوی، کتابی برای تدریس در مدارس ابتدایی نوشته است. این کتاب، در سال تحصیلی گذشته، به طور آزمایشی تدریس شده و قرار است از سال بعد، در تمام مدارس تدریس شود. مهدوی درباره این کتاب، چنین توضیح می دهد: در این کتاب، ریتم های ساده آموزش داده می شود. حتی لازم نیست یک کارشناس یا معلم موسیقی، این کتاب را درس بدهد. هر معلمی می تواند کلاس شاد داشته باشد.

بچه ها هم می توانند ریاضی را با ریتم یاد بگیرند و هنجارها و ناهنجاری های شان را با ساز و در کلاس هنر، بیرون بریزند. این کارشناس موسیقی، با بیان این که هندی ها، چینی ها و اعراب در زمینه موسیقی کودک، پیشرفته تر از ایرانیان هستند، می افزاید: «موسیقی ما در حال حاضر، علم واقعی نیست و در زمینه نوشتار نیز متاسفانه، کارچندانی انجام نشده است. حتی بزرگسالان هم نمی دانند برای آموزش موسیقی به کودکان شان، باید از چه راه هایی اقدام کنند.»

مهدوی معتقد است: «باید گروه های مختلف و با عقاید متفاوت، دور هم جمع شوند و برای چاپ کتاب های خوب گام بردارند. بخش دولتی که به این موضوع توجه ندارد و بخش خصوصی هم به دنبال کتاب های قصه است. بنابراین، هر کس حرف خودش را می زند و در نتیجه، کودکان ایرانی، هم چنان با موسیقی مخصوص خودشان فاصله دارند.»

هنرستان های موسیقی، برای تدریس درس های تخصصی موسیقی در سطح راهنمایی، از کتاب های



دانشگاهیان استفاده می کنند. مثلاً برای درس سلفژ، از کتاب «آموزش سلفژ»، اثر پوزولی (Pozzoli)، و برای تئوری موسیقی، کتاب تئوری موسیقی، نوشته مصطفی کمال پورتراب تدریس می شود. برای سایر درس ها مثل تاریخ موسیقی، ساختار موسیقی و... از جزوه های معلمان استفاده می شود.

در برخی از کتاب های درسی دانش آموزان دبیرستانی که در رشته های فنی و حرفه ای تحصیل می کنند نیز به موسیقی اشاره شده است. به عنوان مثال، در کتاب «مبانی هنرهای تجسمی»، ریتم یا ضرباهنگ تعریف شده و یا در کتاب «انسان، فضا، طراحی» که کتاب پیش دانشگاهی رشته های فنی و حرفه ای است، تنها یک صفحه به موسیقی اختصاص داده شده. اما در کتاب تاریخ هنر، ویژه دانش آموزان هنرستانی، درباره موسیقی مطالبی نوشته نشده است. ظاهراً از نظر مسئولان، موسیقی هنر نیست و در نتیجه، تاریخ هم ندارد.

احمد نوری، مسئول بخش موسیقی، سینما و تاتر سازمان پژوهش های آموزش و پرورش می گوید: «آموزش و پرورش، برنامه های درسی مدارس و هنرستان های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را تصویب می کند. برنامه درسی تصویب شده در مدارس اجرا می شود. در مورد درس های هنرستان های موسیقی، کتاب هایی را که در این مدارس تدریس می شود، نداریم. فقط برنامه درسی آن ها را تصویب کردیم.» از طرفی، اگر در داستان ها و شعرهایی که توسط نویسندگان و شاعر کودکان و نوجوانان نوشته یا سروده می شود، به موسیقی هم اشاره شود، تأثیر بیشتری در مخاطبان خواهد داشت.

موسیقی هم مثل همه هنرها، می تواند دستمایه نوشتن یک کتاب باشد. همان طور که در بیشتر داستان های کودکان ماه، شخصیت های اصلی کتاب نقاش هستند، می توانند موسیقی دان هم باشند.

محمدعلی شامانی، مسئول کتابنامه رشد انتشارات کمک آموزشی، در این باره می گوید: «من فکر می کنم ما از بعضی مسائل غفلت کرده ایم. یکی از این مسائل، حس زیبایی شناسی بچه هاست که می تواند به آنها برای حرکت و زندگی، میدان دهد. موسیقی هم یکی از نیازهای اولیه انسان هاست. همان طور که کودک به غذا و بازی نیاز دارد، به موسیقی هم نیازمند است.»

شامانی می افزاید: «تا به حال در کتاب های مان، کم تر به موسیقی توجه کرده ایم. شاید به این دلیل که تجربه آن را نداشته ایم و هیچ وقت از موسیقی لذت نبرده ایم. در حالی که امروز می توان با موسیقی، جامعه را شاد کرد و به تلطیف فضای فرهنگی و روانی کمک کرد. فکر می کنم خوب است که بفهمیم چه موضوعاتی را در کتاب های مان

امیری:
همان مشکلی که
برای نشر کتاب
و نوار موسیقی
بزرگسالان
وجود دارد،
برای نشر
کتاب های موسیقی
کودک نیز
هست

نداریم. یکی از این موضوعات، موسیقی است.»
شکوه قاسم‌نیا، با بیان این که در قصه، از هر موضوعی می‌توان استفاده کرد، می‌گوید: «دلیل خاصی نمی‌بینم که حتماً موسیقی در داستان وجود داشته باشد. موسیقی حرف خودش را می‌زند و داستان حرف خودش را. من ضرورت حضور عناصر موسیقی در داستان را احساس نمی‌کنم؛ چون قصه بار زیادی به دوش دارد و نویسنده هم باید از راه قصه، حرف خودش را بزند.»

قاسم نیا که اشعارش در کتاب «دنیای شادی»، به صورت ترانه چاپ شده است، می‌گوید: «قصه محمل خوبی برای معرفی موسیقی نیست. قصه خودش به تنهایی، هدفمند است و وظیفه‌های سنگین به دوش دارد. بنابراین، نمی‌تواند وظایف هنرهای دیگر را به دوش بکشد.»
وی اظهار می‌دارد: «موسیقی ارزش زیادی دارد و من ضرورت آن را برای بچه‌های امروز درک می‌کنم، ولی لزومی ندارد که حتماً در کتاب‌های داستانی کودکان و نوجوانان، به موسیقی توجه شود.»

جعفر ابراهیمی (شاهد) نیز با بیان این که در جامعه ما، موسیقی با مشکلات زیادی رو به روست، می‌گوید: «در داستان‌های ما، موسیقی جایگاه زیادی ندارد. در حالی که می‌توان به آن پرداخت.»

متاسفانه، در این ۵۰ سال اخیر، به موسیقی کودک ظلم شده، اما مشکل اصلی ما نبود موسیقی‌دانان حرفه‌ای کودک است. در واقع، به نسبت تعداد شاعران و تصویرگران کودک، تعداد موسیقی‌دان کم است یا کارهای این افراد، در حدی نیست که شامل همه شود و به تمام بچه‌ها توجه داشته باشد.»
ابراهیمی می‌گوید: «هر جا که تشکیلی برای موسیقی کودک تشکیل شد، چند ماه بیشتر دوام نیاورد. من یادم هست اوایل انقلاب، توسط کسی دفتری برای موسیقی کودک تأسیس شد و حتی از چند شاعر کودک هم دعوت کرد تا در این دفتر فعالیت کنند، اما به نتیجه نرسید.»

ابراهیمی، بی‌توجهی نویسندگان به موسیقی را ناشی از بی‌علاقگی آن‌ها به موسیقی می‌داند و می‌گوید: «خیلی از نویسندگان به موسیقی علاقه ندارند. البته، شاید به دلیل مشکلاتی که در زمینه موسیقی کودک وجود دارد، نویسندگان هم به این موضوع در داستان‌هایشان کم‌توجهی می‌کنند.
در حالی که به نظر من، نویسنده باید به همه هنرها توجه داشته باشد و در کتاب‌هایش نیز از این هنرها استفاده کند.»

لیلا حکیم الهی که کتاب‌هایی برای کودکان نوشته، معتقد است: «خیلی چیزها هست که بچه‌ها باید بدانند. تنها به موسیقی در داستان‌ها بی‌توجهی نشده است. به نظر من، پرداختن به موسیقی در داستان، مثل سایر موضوعات در اولویت نیست.»

حکیم الهی می‌گوید: «تعداد کتاب‌های آموزش موسیقی به کودک، خیلی کم است و کم‌تر کتابی مثل کتاب «سننورنوازی» آقای کامکار موفق بوده است. این کتاب به چاپ نوزدهم رسیده، در حالی که کتاب‌های دیگر، به این موفقیت نرسیده‌اند. شاید هنرمندان انگیزه ندارند. شاید اگر معاش هنرمندان از طرف دولت تامین می‌شد، آن‌ها بهتر می‌توانستند کار کنند. نویسندگان که شرایط برتری دارند. یک نوازنده می‌تواند از راه آموزش موسیقی زندگی کند، ولی نویسنده مجبور است فقط بنویسد.»

اسدالله شعبانی که اشعار او هم در کتاب «دنیای شادی»

چاپ شده، می‌گوید: «من کتابی در دست دارم که قرار است به زودی آن را چاپ کنم. در این کتاب، سازهای ایرانی را با شعر و ترانه معرفی کرده‌ام. تقریباً ۳۰ ترانه از زبان خود سازهاست. تصمیم دارم تصویر آنها را هم چاپ کنم.»
شعبانی، درباره کمبود کتاب‌های موسیقی کودکان، پیشنهاد می‌دهد: «ترانه‌هایی که تاکنون برای بچه‌ها سروده شده، گردآوری و در یک کتاب چاپ شود و یا ترانه‌هایی را که به صورت کاست منتشر شده، یکجا جمع آوری کنند. از طرفی، معلمان موسیقی نیز جزوه‌های پراکنده‌شان را به شاعری بدهند تا برای ملودی‌های آن، ترانه و شعر مناسب بچه‌ها بسراید. مراکز دولتی می‌توانند در این مورد فعالیت کنند و پیشقدم باشند.»

شاید مهم‌ترین دلیل بی‌توجهی به موسیقی کودک و در نتیجه، بی‌توجهی به کتاب در این زمینه، جدی نگرفتن موسیقی کودک، از سوی مسئولان فرهنگی کشور باشد. متأسفانه، کشور ما با این پیشینه تاریخی، برای انتقال فرهنگ به کودکانش از راه موسیقی، باید از روش نوازندگان و مربیان خارجی

علینقی وزیری، شاید اولین کسی است که آهنگ‌های ساده و کودکانه تهیه کرد و موسیقی مخصوص کودکان را به وجود آورد

احمدی:

من در یکی از داستان‌هایم،
به هفت دستگاه موسیقی اشاره کرده‌ام،
اما این کافی نیست و چنین کتابی به تنهایی
نمی‌تواند به موسیقی کودک کمک کند

استفاده کند. نمونه بارز این تقلید، کلاس‌های موسیقی آرف است که در آن‌ها به شیوه کارل آرف، موسیقی را تدریس می‌کنند. تقلید کردن و بهترین شیوه آموزش موسیقی به کودک را از غربی‌ها گرفتن، خوب است، اما این تقلید نباید کودک را از فرهنگ موسیقایی خود دور کند. خوشبختانه، موسیقی‌دانان ما در حال برداشتن قدم‌هایی در این زمینه، هستند و کتاب‌هایی نیز در دست تالیف دارند یا قرار است به زودی تالیف کنند.

ای کاش از قبل آماده بودند تا امروز که بحث حلال و حرام بودن موسیقی و مباحث حاشیه‌ای موسیقی تا حدودی کم‌تر شده و جامعه آماده پذیرش کتاب‌ها و نوارهایی درباره موسیقی، به ویژه موسیقی کودک است، برای رسیدن این مطالب، به چاپخانه‌ها انتظار نمی‌کشیدیم.»

بی‌نوشت:

- ۱) «لطف تمبک»، لیلا حکیم الهی، نشر ماهور ۱۳۸۱
- ۲) «سرگذشت موسیقی ایران»، روح‌الله خالقی، جلد اول، انتشارات صفی‌علیشاه، چاپ هفتم ۱۳۷۸، صفحه ۴۵
- ۳ و ۴) همان، صفحه ۵۳ و ۵۴

